

آقای خاتمی صدای پای رادیکالیسم را می شنوید؟



محمد زعیم زاده
سردبیر

در روزهای اخیر سه پیشنهاد برای به سازی حکمرانی از سوی حسن روحانی، محمد جواد ظریف و جبهه اصلاحات مطرح شده است. اصل این اتفاق، یعنی فکر کردن گروه های داخل نظام را باید به فال نیک گرفت. متونی که می توانند باب بحث در خصوص شرایط فعلی را باز کنند؛ اما تقریباً می توان گفت هر سه متن بیش از آنکه ناظر به عبور ایران از شرایط خاص بین المللی فعلی باشند با هدف کنشگری در فضای سیاست داخلی تنظیم شده اند و ایراد های جدی دارند. نطق حسن روحانی که با فرمی خوب ارائه شد، مشکل اساسی دارد؛ او در مرحله توصیف وقایع دفاع ۱۲ روزه هدف از اقدام رژیم صهیونیستی و آمریکا را به درستی براندازی می داند؛ اما در مرحله تجویز غیر از موضوعات داخلی، راه حل را تلویحاً اعتماد سازی با دنیا قلمداد می کند؛ در چه زمانی؟ چند ماه بعد از اینکه آمریکا بمب را روی میز مذاکره انداخته است و رئیس جمهور آن هر روز ایران را تهدید می کند. مشکل روحانی در این تجویز دوتا است؛ اول آنکه صغرا و کبرای بحثش با هم نمی خوانند، یعنی اگر قصد طرف براندازی است، ما قرار است بر سر چه موضوعی اعتماد سازی کنیم؟ و دوم در همین ماجرای اعتماد سازی نه از تجربیات شکست خورده قبلی می گوید و نه ایده عملیاتی می دهد و در حد کلیات متوقف می ماند. او نمی گوید قرار است تا کجا اعتماد سازی کنیم؟ وقتی طرف از تسلیم ایران گفته است، حد یقف اعتماد سازی کجاست؟ متن در متعلق به محمد جواد ظریف است، ایده ای که تحت عنوان تغییر پارادایمیک در فضای رسانه ای مطرح شد، اما مراجعه به متن نشان می دهد این عنوان بیشتر یک دویبنگ ژورنالیستی است و خیلی نه از تغییر سخن گفته شده و نه موضوعی در حد طرح یک چهارچوب بندی جدید مفهومی در آن وجود دارد. جناب ظریف در سه سطح سخن می گوید؛ نخست اتخاذ سیاست هایی در داخل، دوم تجویز همکاری بیشتر در منطقه و سوم یک پیشنهاد مبهم در سطح فرمانطقه ای. آنچه جناب ظریف در سطح منطقه می گوید مشخص نیست چقدر با وضع و حال سیاست این روزهای کشور فرق دارد. امروز ایران در ترک تخصص جدی با همه قدرت های منطقه ای از جمله سعودی و مصر است و در خصوص ترکیه و آذربایجان هم رسماً خود را به تجاهل زده است، تقریباً غیر از رژیم صهیونیستی هیچ حاکمیتی در منطقه نیست که حداقل در ظاهر با ایران رابطه خوب نداشته باشد. در سطح فرمانطقه ای ظریف صادق تر از روحانی است و به شکست های قبلی در اعتماد سازی اشاره می کند؛ اما در ادامه باز ناپاورانه از همان مسیر می گوید و البته وارد جزئیات نمی شود که این تغییر به لحاظ عملیاتی یعنی چه؟ با بمباران فردو چطور جمع می شود؟ با خروج یک طرفه آمریکا از برجام چطور؟ و...

متن سوم مربوط به جبهه اصلاحات ایران است. در این متن از ایران خواسته شده داوطلبانه مسئله هسته ای را تعطیل و تخاصم را ترک کند. پیش فرض این بیانیه این است که ایران منشأ تولید تخاصم است و با ترک زمین توسط ایران موضوع حل می شود. از سوی دیگر این متن در داخل بارهایی را روی دوش دولت پزشکیان می گذارد که به معنای پایان دولت است. اگر مشکل ایده روحانی متناقض بودن و مشکل ایده ظریف متناقض بودن و توقف در کلیات است؛ مشکل بیانیه اصلاح طلبان علاوه بر اینها غیرصادقانه بودن هم است. طبق قانون اساسی همه گروه های سیاسی در بیان عقیده آزادند؛ اما ای کاش گروه ها صادقانه رفتار کنند. مثلاً اگر نام این بیانیه پروژه عبور از پزشکیان نامیده می شد به مراتب صادقانه تر بود. آن وقت تشابه رفتاری این جریان با آنچه حمید رسایی و رادیکال های مجلس با پروژه استیضاح رئیس جمهور دنبال می کنند، مشخص می شد.

مشکل دیگر این متن این است که نویسندگان انگار چند روز قبل با فضاییما از مریخ هبوط کرده اند و کاری به آنچه روی زمین می گذرد، ندارند. این بیانیه در بخش تجویز نشان می دهد هیچ ادراکی از تخاصم ورزی ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل ندارد. بیانیه از ترک تخاصم از سوی ایران می گوید؛ اما به این سوال پاسخ نمی دهد که مگر تخاصم را ما پدید آورده ایم که حالا باید ترک کنیم؟ مگر ما وسط مذاکرات نبودیم که علیه مان جنگ راه انداختند؟ بیانیه رسماً می گوید خودمان داوطلبانه هسته ای را بد همیم ببرد. حال فرض کنید مذاکره ای در پیش باشد. شما اگر جای طرف آمریکایی باشید اصلاً حاضرید سر موضوعی که خودتان داوطلبانه کادوپیچ و تقدیم کرده اید، مذاکره کنید؟ این بیانیه به یک معنا فاتحه میز مذاکره احتمالی را هم می خواند، از این زاویه لبه دوم قیچی گوساله سامری خواندن مذاکرات تاکتیکی است.

پرسش کردن از متن این بیانیه احتمالاً کاری عبث است. هدف و فرامتن این بیانیه گذاشتن رد عبور از پزشکیان و دولت در داخل، تضعیف جریان عقلانیت و میانه روی و ساخت دوقطبی ها و تقویت رادیکالیسم است. بیانیه ای که مشخص نیست با حمایت آقای خاتمی صادر شده است یا نه. اگر ایشان هم موافق چنین بیانیه ای است باید گفت آقای خاتمی کلاهان را بالاتر بگذارد.

بیانیه جبهه اصلاحات با پیشنهادهایی غیرواقعی
عقب مانده و دوقطبی ساز چه اهدافی را دنبال می کند؟
نسبت سید محمد خاتمی و این بیانیه چیست؟

صدای پای رادیکالیسم

بازگشت دلال های سایه به بازار خودرو؟

درباره مصوبه جدید شورای رقابت چه می دانیم؟

این دفعه با اولیایش رفت

نمایش در کاخ سفید ادامه دارد

برخی آثار دولتی در سینما اکران نمی شوند

پول سینمایی
پخش تلویزیونی

کمبود زیرساخت و غلبه منطق عرضه و تقاضا

چرا مدارس دولتی دانش آموزان را
گزینش می کنند؟

